

(عليه السلام)
شرح رساله حقوق امام سجاد



حجت الاسلام و المسلمین استاد
محمد جواد حاج علی اکبری

موضوع:

حق نماز (۵)

تاریخ ۱۳۹۴ / ۰۴ / ۱۴

■ افرادی که از شب قدر بهره‌ای نمی‌برند

۱. کسی که کینه مؤمن به دل دارد

۲. عاق والدین

■ در شب قدر چه خواهیم؟

■ تمام اعمال انسان در گرو نماز است

■ حالات عجیب اولیای الهی هنگام نماز

■ سه خواسته خداوند از مؤمنان در ارتباط با نماز

۱. اقامه نماز و نه فقط خواندن آن

۲. حفاظت از نماز

۳. خشوع

«كَأَلْفِ شَهْرٍ» یعنی شب قدر مثل هزار ماه است. بلکه فرموده: «خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»، کلمه‌ی «خَيْرٌ» یعنی خیلی فراتر از این حرف‌ها است. منتها برای اینکه ما سنجه‌ای داشته باشیم و شاخصی دست ما باشد، فرمودند: «خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ». کلمه هزار ماه در اینجا آمده است. هزار ماه یعنی یک عمر پر و پیمان که کسی موفق شود به سلامت و عافیت در این دنیا زندگی کند. یک شب به اندازه یک عمر و افزون از هشتاد سال! این ظرفیتی است که در این شب عزیز تعبیه شده است.

در شب قدر ترتیب بسیار زیبایی انتخاب شده است. این عنایت و لطف پروردگار متعال را می‌رساند که از شب نوزدهم مقدمات لیلۃ القدر آماده می‌شود، به این ترتیب که کتاب‌ها را باز می‌کنند و صحیفه و نامه سرنوشت‌ها

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
رَبِّهِمْ

■ شب‌های سرنوشت

ماه مبارک رمضان به بخش بسیار حساس و مهم خود نزدیک شده است: آغاز شب‌های قدر که بخش کاملاً متفاوت از ضیافت الهی در ماه مبارک رمضان است. امیدوارم عزیزانمان برای درک فیوضات این لحظات مبارک و متفاوت خودشان، خانواده‌های عزیزشان، فرزندان عزیز و نور چشمشان را مهیا کنند. همه آماده شوند برای اینکه ان‌شاءالله از برکات لیلۃ القدر استفاده کنند. عمده این است که انسان این جمله نورانی قرآن کریم را بی‌اور کند: «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» [۱] شب قدر از هزار ماه أرجمندتر است». دقت می‌فرمایید که نگفته است:

همدیگر را دعا کنیم. امیدوارم ان‌شاءالله بهترین سرنوشت برای امت اسلامی، برای مسلمانان مظلوم در سراسر عالم مقدر شود. ان‌شاءالله نصرت و فتح و گشایش در امور گوناگون اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، برای جامعه، امت، رهبر و آحاد مؤمنین، به فضل الهی و عنایت پروردگار متعال و مهربان رقم بخورد.

گشوده می‌شود. شب بیست و یکم که رتبه بالاتری دارد، تمام امور عالم، مخصوصاً وضعیت هرکدام از ما نگاشته می‌شود. شب بیست و سوم هم به امضای حجت حق و ولی عصر (عج) می‌رسد. اوج شب‌های قدر شب بیست و سوم است. منتهای به شکلی برنامه‌ریزی شد که مؤمنین بتوانند با آمادگی این مراحل را سیر کنند و به فضیلت لیلۃ القدر برسند.

■ افرادی که از شب قدر بهره‌ای نمی‌برند

۱. کسی که کینه مؤمن به دل دارد

نکته‌های بیدارکننده‌ای در روایات ما درباره شب قدر وجود دارد. از جمله اینکه اگر کسی به شب قدر وارد شود و در دل او کینه مؤمنی باشد، از فضیلت لیلۃ القدر هیچ نصیبی نمی‌برد. مؤمن در اینجا معنای

الان به نقطه‌ای از سال رسیده‌ایم که شب‌ها نسبت به سایر شب‌ها کوتاه‌تر است؛ لذا آمادگی بیشتر و دقت زیاده‌تر و اولویت‌گذاری می‌خواهد تا بتوان ان‌شاءالله از همه ظرفیت لیلۃ القدر استفاده کرد.

یکی از بهترین کارها در این شب‌ها این است که انسان برای دیگران دعا داشته باشد.

قلب انسان پیش آید. قلب وارونه یعنی ظرف برعکسی که از فیض و رحمت و بارش لطف الهی هیچ چیزی گیرش نمی‌آید. بارش همه را نصیب داده، اما ظرف او خشک است و چیزی گیرش نیامده است.

۲. عاق والدین

بنا بر روایت، امشب همه نصیب می‌برند، اما کسی که عاق والدین شده باشد از لیلۀ القدر هیچ نصیبی نمی‌برد و دست خالی از این شب خارج می‌شود. عاق یعنی پدر و مادر او را کلاً از خودشان جدا کرده و او را نفرین کرده‌اند، از او دل شکسته هستند. اگر پدر یا مادر انسان دلش بشکند و به این نقطه برسد که فرزند را از دایره مهر و محبت خود بیرون بگذارد، چنین کسی از دایره رحمت الهی بیرون افتاده است؛

عام دارد، نه معنای خاص. معنای خاص یعنی افراد خیلی ویژه و خوب و نیک عالم. آنها که جای خودشان را دارند. مؤمن در اینجا یعنی انسان مسلمانی که به دین الهی، قرآن کریم و پیامبر اعظم ایمان آورده و دل داده امیرالمؤمنین و اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) است.

شب قدر مثل این است که یک باران خیلی پر و پیمانی از آسمان بریزد، به طوری که انسان احساس می‌کند آسمان دارد به زمین می‌آید. لیلۀ القدر چنین وضعی دارد. مثل اینکه همه برکات یک‌باره در لیلۀ القدر فرو می‌ریزد. در چنین بارشی اگر کسی ظرفی را برعکس بگذارد، چه کسی را باید سرزنش کند؟ این‌همه باران آمده و همه جا را گرفته، اما ظرف او خالی و خشک است. حقد و کینه، باعث می‌شود حالت وارونگی برای

یعنی آمریکا، رژیم صهیونیستی کودک‌کش و آل سعود را. اینها را باید در این شب نفرین کرد، و الا برای عامه مردم باید خیلی دعا کرد؛ حتی کسی که در حق شخص ما بدی، بدرفتاری یا اذیتی داشته است.

به هر حال دعای این شب‌ها، دعای تفصیلی است. منتها اگر بخواهیم یک دعای جامع داشته باشیم که صدرنشین همه دعاها باشد و از همه گره‌گشایی کند، دعا برای امیر لیلۃ القدر، حضرت بقیت الله الاعظم (عج) است. دعا برای حضرت، برای فرج و نصرت آن بزرگوار، برای اینکه به حضرت برای ورود به صحنه عالم اذن داده شود. اگر کسی برای آن بزرگوار موفق به دعا شود، در واقع نه فقط برای خود و خانواده‌اش، بلکه برای همه بشریت دعا کرده و خوشبختی و سعادت همه را خواسته است.

حتی اگر به شب قدر برسد و آن را احیا بگیرد، قرآن به سر داشته باشد، چیزی گیرش نمی‌آید. لذا انسان باید قبل از این شب‌ها، دلش را شستشو کند، پاکیزه کند، استغفار کند و رابطه‌اش را با دیگران اصلاح کند و کینه و امثال اینها را از دلش بیرون کند. خلاصه آنکه دلش را برای بهره‌برداری از فیوضات و برکات شب قدر صاف کند.

■ در شب قدر چه بخواهیم؟

اما در چنین شبی انسان چه بخواهد؟ برای دیگران دعا کردن بسیار مهم است؛ مخصوصاً دعا برای کسانی که به ما بدی کرده و در حق ما ظلمی داشته‌اند، خیلی اثر عجیبی در زندگی خود ما دارد. البته دعا برای آنها، نه علیه آنها! در چنین شبی انسان فقط باید دشمنان بشریت را نفرین کند؛

■ تمام اعمال انسان در گرو نماز است

متعال کسی به آن نکته برسد، چنین کسی حضورش در نماز متفاوت است؛ چراکه نماز برایش متفاوت می‌شود. لذا ارتباطش با نمازش متفاوت می‌شود، رسیدگی به نمازش متفاوت می‌شود و اساساً نماز محور اصلی زندگی او می‌شود و همه چیز در محیط زندگی‌اش بر مدار نماز قرار می‌گیرد. امیرالمؤمنین (علیه السلام) شهید عزیز سعید عالی‌قدر این ماه، در آن بیان نورانی خطاب به محمد بن ابی بکر (ره) و همه فرزندان معنوی‌شان فرمودند که همه چیز تو تابع نمازت است: «اعلم أن كل شيء من عملك تبع لصلاتك»؛ [۲] بدان که تمام کردارت در گرو نمازت است». همه‌ی کارهای زندگی و تمام برنامه‌ها را باید با نماز هماهنگ و تنظیم کنیم؛ هم به جهات ظاهری و هم به لحاظ اینکه باید نور و رنگ نماز، در اخلاق، گفتار،

متن رساله حقوق، متن بیدارکننده و تکان‌دهنده‌ای در موضوع نماز است. حضرت فرمودند: «فَأَمَّا حَقُّ الصَّلَاةِ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهَا وَفَادَةٌ إِلَى اللَّهِ وَأَنَّكَ قَائِمٌ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ». چنانچه بخواهی حق نماز را رعایت کنی، باید به این فهم، روشن‌بینی، درک و اشراف برسی که نماز چیزی نیست جز میهمانی خداوند، رفتن به حضور پروردگار متعال و ایستادن در برابر او. اگر کسی به چنین فهم و روشن‌بینی و درکی برسد - در واقع نمازشناس شود - در نمازشناسی اوج بگیرد و نماز را از نگاه خداوند و اولیا بشناسد و درک کند و بفهمد - مخصوصاً سرّ نماز را که ذکر است و لطیفه نماز که عبارت است از حضور - اگر به لطف خدای

حق نماز و حق‌گزاری شد، هنگام نماز حال دیگری پیدا می‌کند. قلب، ذهن و جسمش تسخیر می‌شود. از عمیق‌ترین بخش وجودش، ادب و خشوع و خضوع در برابر پروردگار جریان دارد. می‌داند در برابر که ایستاده است. فقر مطلق در برابر غنای مطلق؛ ضعف مطلق در برابر قدرت مطلق، و جهل مطلق در برابر علم مطلق قرار گرفته است. این لحظات، لحظات عادی نیست. بی‌دلیل نیست که اولیای خدا در نمازهایشان می‌لرزیدند. حضرت زهرا (سلام الله علیها) وقتی به نماز می‌ایستادند، خدای متعال فرشته‌ها را خبر می‌کرد که: «یا مَلَائِكَتِی، انظُرُوا اِلَی اُمَّتِی فَاطِمَةَ»؛ به بنده برگزیده من، فاطمه نگاه کنید. «كَيْفَ تَرْتَعِدُ فَرَائِضَهَا مِنْ خِيفَتِی». باید چنین احساسی در ما به وجود بیاید که در پیشگاه خدای متعال ایستاده‌ایم. یعنی قدرت مطلق،

برخورد، معاشرت، رعایت امانت، و خلاصه آنکه در همه بخش‌های زندگی، اثر و نشانه نماز باید وجود داشته باشد. به تعبیر قرآن کریم: «سَيَمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ اَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكُمْ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ»؛ [۳] علامت [مشخصه] آنان بر اثر سجود در چهره‌هایشان است. این صفت ایشان در تورات است. اهل اسلام با نماز شناخته می‌شوند و در همه کارهایشان سجده هست؛ یعنی نشانه نماز در تمام شخصیت آنها متجلی است.

■ حالات عجیب اولیای الهی هنگام نماز

پس این حق نماز است. ما باید از خدای متعال کمک بگیریم برای اینکه بتوانیم حق نماز را ادا کنیم. اگر کسی موفق به بازشناسی

که می‌گویید: « قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ؟ یعنی وقت زیارت رسید. وقت دیدار با خدا است. «حَانَ وَقْتُ الزِّيَارَةِ» [۵] وقت دیدار شده است. تعجب از کسی است که این حالت را نداشته باشد. در خوبان، نیکان، شاگردان اولیا خدا، حالاتی که در وقت نمازشان دیده شده، حاکی از رعایت فوق العاده آداب ظاهری، مرتب بودن، آراسته بودن، پاکیزه، معطر، موقر، متین بودن، سر به زیر بودن و مؤدبانه قرار گرفتن در پیشگاه خدا است. البته این حالات طبیعی است؛ چراکه نماز در پیشگاه خدا می‌ایستیم؛ به تعبیر حضرت «بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَازٍ وَجَلٍ» لذا حالات نمازشان با متانت بود و رکوع و سجده‌اشان متفاوت می‌شد. حتی به لحاظ ظاهری، نوع ایستادنشان، مؤدبانه بود؛ زیرا منشأ خضوع جسمی، خشوع قلبی است. وقتی انسان باورش شد، توجه پیدا می‌کند و

عظمت مطلق، شکوه مطلق، علم مطلق، رحمت بی‌پایان و کرامت مطلق. وقتی انسان به آن عظمت توجه می‌کند، بر خود می‌لرزد. «كَيْفَ تَرْتَعَدُ فَرَائِضَهَا مَنْ خِيفَتِي» [۴] ببینید چطور بندبند بدنش از خوف من می‌لرزد؟!

درباره سایر اولیا خدا نیز روایات عجیبی وارد شده است. در احوالات پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) است که وقتی از سجده برمی‌خاستند، تمام مصلایشان غرق اشک شده بود. چه حالی در نماز داشته‌اند؟! درباره امیرالمؤمنین (علیه السلام)، آن گزارش‌های عجیب درباره نماز هست. مؤذن گفت: «قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ»، حضرت حالشان منقلب شد. شروع کردند به گریه. انقلاب روحی برای حضرت پیدا شد. طرف پرسید: چه شد؟ این چه حالی است که در شما دیدیم؟ حضرت فرمود: مگر نشنیدید

همین جمله‌ای که حضرت فرمودند: «وَفَادَةٌ إِلَى اللَّهِ وَ أَنْكَ قَائِمٌ بِهَا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ». در برابر خدا ایستاده‌ای. در این صورت عبادت ما «اعْبُدَ اللَّهُ كَأَنَّكَ تَرَاهُ» می‌شود. البته آنجا پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) خطاب به جناب ابوذر (س) این سخن خود را تنزل دادند و فرمودند طوری نماز بخوان که گویا خدا را می‌بینی. این‌طور نماز بخوان تا حق نماز ادا شود. بعد فرمود: «فَإِنْ كُنْتَ لَا تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ».[۶] اگر به این مقام نرسیدی که گویا او را می‌بینی، حداقل بدان که او تو را می‌بیند. احساس داشته باش که در حضور او هستی و خدای متعال تو را می‌بیند. قدم نخست ادب محضر است. قدم‌های بعدی ادب حضور است.

دلش خاشع می‌شود. بعد این خشوع قلبی به انکساری و تذلل و فروتنی و خاکساری درونی تبدیل می‌شود. قبل از اینکه بخواهند نماز بخوانند، مقدماتی را طی می‌کنند. به وسیله استغفار، شستشوی باطنی می‌کنند و خود را مهیا می‌سازند. به جوانب مسئله توجه پیدا می‌کنند، به اسرار اذکار و به معانی آنچه گفته می‌شود، وقوف پیدا می‌کنند. از این‌رو وضع خاصی در نماز برایشان پیدا می‌شود. به شکلی که حضور در عبادت، به حضور در معبود می‌رسد. یعنی در قدم اول به معانی سوره حمد توجه می‌کند و به اذکاری که در سجده، رکوع یا تشهد می‌گوید؛ ولی مراحلی برای ما تعریف کرده‌اند و آن دورنما را در اختیار ما گذاشته‌اند که اگر شما این مسیر را درست بروید، کار شما به جایی خواهد کشید که حضور در معبود پیدا می‌کنید.

الصلاة». بین خودمان می‌گوییم: نماز بخوانم. اینجوری بین ما در فارسی معروف شده است که می‌گوییم: نماز خوانده‌ای؟ نوعی از خواندن در ذهن می‌آید؛ در حالی که آنچه در قرآن کریم گفته شده، به پا داشتن نماز است. چون معادل روانی در فارسی نداشته است، کلمه خواندن را به کار برده‌ایم. پس مسئله اول اقامه است؛ چراکه در تمام قرآن، اقامه آمده است؛ مثلاً «أَقِمْوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ» [7] و نماز را برپا کنید و زکات را بدهید؛ «وَ أَنْ أَقِمْوا الصَّلَاةَ وَ اتَّقَوْهُ» [8] و اینکه نماز به پا دارید و از او پروا کنید؛ «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ» [9] پروردگارا، مرا برپادارنده نماز قرار ده».

پس مسئله، مسئله اقامه است. اقامه کردن، به معنای برپا داشتن است. به معنای دقیق کلمه به این معنا است که همه‌ی حدود و احکام و آداب

■ سه خواسته خداوند از مؤمنان در ارتباط با نماز

نماز معجون‌ی از اسرار، لطایف، اذکار، ارکان، آداب و احکام است. یک عبادت درجه یک، برگزیده و یک وعده ذکری کامل برای فطرت و روح انسان است. چه زمانی نماز، نماز می‌شود؟ وقتی که اقامه‌اش کنیم. خدای متعال در قرآن کریم با سه واژه - البته بیشتر از اینها است، متها من سه واژه منتخب دارم - توقع خود را از مؤمنین در نماز اعلام می‌کند: واژه نخست اقامه است، واژه دوم حفاظت است و واژه سوم خشوع. این سه واژه در قرآن کریم، در آداب نماز و در ارتباط با نماز وجود دارد.

۱. اقامه نماز و نه فقط خواندن آن

قرآن کریم هیچ‌جا نگفته: «اقرأ

از ما خواسته شده است، نه قرائت نماز. قرائت و خواندن نماز گوشه‌ای از اقامه نماز است.

۲. حفاظت از نماز

کلیدواژه دوم که توقع خدای متعال را به ما اعلام می‌کند، کلمه «حافظوا» است. خدای متعال در دو جا در قرآن کریم از ما خواسته که نمازمان را حفظ کنیم: «حَافِظُوا عَلَی الصَّلَاةِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ» [۱۰] بر نمازها و نماز میانه مواظبت کنید، و خاضعانه برای خدا به پا خیزید؛ «وَالَّذِينَ هُمْ عَلَی صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ» [۱۱] و کسانی که بر نمازشان مداومت می‌ورزند». جالب است که حفظ را هم برده در باب مفاعله که تأکید جدی می‌شود؛ یعنی حفاظت فعال. دیدید انسان چیزی که خیلی برایش قیمتی و عزیز است، حفظش یک حفظ

نماز را در دستور کار خود قرار دهید. این می‌شود اقامه نماز که معنای خیلی فراخ و گسترده‌ای دارد؛ هم شامل ظاهر نماز می‌شود و هم شامل آداب باطنی و درونی آن. اگر نماز ما برپا شد، ایستاد و اقامه شد، دین ما هم می‌ایستد. به تعبیری، باید نماز را عَلم کنیم. وقتی نماز ایستاد، دین می‌ایستد. آن وقت در پرتو آن همه چیز درست می‌شود و به سامان می‌رسد. در پرتو نماز قائم، دین، قائم و استوار می‌شود. در چنین وضعیتی شخص امانت‌دار می‌شود، اخلاقش درست می‌شود و مهربان می‌گردد. اهل خدمت می‌شود، به هیچ وجه خیانت نمی‌کند و... همه چیزش عوض می‌شود. این وقتی است که نماز را اقامه کنیم؛ والا ظاهراً بر خواندن چنین آثاری مترتب نیست. کاری که بنده و امثال من انجام می‌دهیم، نماز خواندن است؛ اما اقامه نماز

که برسید، به همه چیز می‌رسید. او می‌خواهد نماز شما را ضایع کند. از رکوعش بزنید، از سجده‌اش بزنید، از قیامش بزنید؛ یعنی نماز شما، نماز نباشد. چون نماز ما در معرض آسیب‌ها است، باید آن را حفاظت کنیم. یکی از مصداق‌های سهو و غفلت و آسیب برای نماز که در روایات حفظ به آن تأکید شده، عبارت است از حفظ وقت نماز. مراقب وقت نمازتان باشید که در وقتش خوانده شود. آخر وقت برای افراد معذور است که غفران الله است [۱۲] و امیدواریم خدای متعال قبول کند و ببخشد.

اگر نماز در وقتش خوانده شود، بنا به گفته پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، خدای متعال به بنده‌اش نظر رحمت می‌کند. جالب است که هرچه نماز بیشتر از این جهت در معرض آسیب باشد، تأکید به

عادی نیست و همه جور مراقبش است.

پس معنای نخست حفاظت از نماز این است که چیزی از احکام نماز، از واجبات و مستحباتش، جا نماند. بنا بر روایت زیبایی از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) حفاظت یعنی سجده، رکوع و قیامش را حفاظت کنید و همه بخش‌های نماز تحت حفظ باشد که چیزی جا نماند.

معنای دوم حفاظت، به این نکته اشاره دارد که نماز شما در معرض آسیب است. شیطان دور و بر شما می‌گردد که حضور قلب شما در نماز خراب شود. در نماز به فکر همه چیز بوده‌اید، غیر از خود نماز و بالاتر از آن، غیر از پروردگار متعال. شیطان دور و بر شما می‌گردد که شما به نماز نرسید؛ چون شیطان می‌داند شما به نماز

۳. خشوع

واژه سوم که واژه بسیار عجیب و خیلی خوش‌ساخت است، تمام آداب باطنی نماز را در خود جمع کرده است. در حقیقت تمام آداب باطنی نماز، در این کلمه خلاصه و شهودگیری شده است. خدای متعال می‌خواهد در قرآن کریم خوشبختی و سعادت انسان‌های مؤمن را اعلام کند؛ لذا می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» [۱۴] به‌راستی که مؤمنان رستگار شدند». انسان‌های مؤمن به سعادت و خوشبختی رسیده‌اند. بلافاصله می‌خواهد مؤمنان را معرفی کند و اسرار سعادت و خوشبختی آنها را آشکار سازد؛ پس می‌گوید: «الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ» همانان که در نمازشان فروتنند». کلمه خشوع معادل فارسی ندارد. باید توضیح داده شود تا بفهمیم خشوع یعنی چه. توضیح آنکه وقتی در برابر بزرگی قرار می‌گیرید - مثلاً یکی از ائمه

حفظش هم بیشتر شده است. منظور از «الصَّلَاةَ الْوُسْطَى» نماز ظهر است. [۱۳] چرا بر این نماز تأکید شده است؟ چون نماز ظهر وسط زندگی است و مردم مشغول تجارت و کار و اداره هستند. ممکن است آن کارها باعث غفلت شود؛ لذا بر نماز ظهر تأکید شده، هم به جهت ظاهر و وقتش که خودت را سریع به نماز برسان، و هم از نظر اشتغالات ذهنی تأکید شده است. درگیری ذهنی و اشتغالات ممکن است به باطن نماز شما هم آسیب بزند؛ لذا باید مواظبت خود را در نماز ظهر بیشتر کنید.

پس یادتان باشد نماز شما در معرض مداخله‌های شیاطین جن و انس است تا نگذارند شما به حقیقت نمازتان برسید. بنابراین مراقب نمازتان باشید.

موقعیت هست و نتیجه این فهم موقعیت، می‌شود آن حالت خاکساری؛ ترکیبی از امید و خوف. این می‌شود خشوع.

این هم نکته سوم که در قرآن کریم آمده است. آنچه امام سجاد (علیه السلام) در همین قطعه رساله حقوق در ادای حق نماز فرموده‌اند، در حقیقت شرحی از این سه موقف است. یعنی اگر شما می‌خواهید حق‌گزار نماز باشید، باید نماز را اقامه کنید و حافظ نمازتان باشید؛ مخصوصاً وقتش و احکام و آدابش. نکته سوم اینکه خاشع باشید.

برای اینکه بهتر بتوانیم حق نماز را ادا کنیم، کتاب بسیار شریف، عزیز و قیمتی آداب الصلاة، نگاشته امام راحل عارف عظیم الشان را - که رضوان خدا بر او باد - بخوانیم. این کتاب می‌تواند

(علیهم السلام) - تصورش چه به روز ما می‌آورد؟ تا چه رسد به اینکه برای کسی اتفاق بیفتد. ما از این مثال پایین می‌آییم. انسان وقتی به حضور اشخاصی می‌رسد که خیلی در چشم ما بزرگ هستند، حس عجیبی دارد: خودش را جمع می‌کند، دلش می‌لرزد، لرزش دل در صدا هم هست و اگر صحبت بکند، صدایش می‌لرزد. این لرزش در ایستادنش هم هست. حس عجیب و غریبی است. صحبت ترس از افراد وحشتناک نیست. به حضور یک سلطان جائر نرفته‌ای. نه، بلکه آن شخص را خیلی دوست داری و به او خیلی اطمینان داری. در حضور یک حقیقت رئوف مهربان هستی؛ در حضور ولیّ عظیم. به این احساس که محصول فهم بزرگی و عظمت آن شخص است، خشوع می‌گویند. بنابراین در آن عنصر معرفت، حضور، توجه و ذکر هست. در کنارش ادب و فهم

■ منابع و مأخذ

راهنمای بسیار خوبی برای ما باشد؛ ان شاء الله.

- [۱]. قدر: ۳.
- [۲]. نهج البلاغه، ترجمه دشتی، ص ۵۱۱.
- [۳]. فتح: ۲۹.
- [۴]. شیخ صدوق، اَمالی، مجلس ۲۴.
- [۵]. همو، توحید، ص ۲۴۱.
- [۶]. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۷۶.
- [۷]. نور: ۵۶.
- [۸]. انعام: ۷۱.
- [۹]. ابراهیم: ۴۰.
- [۱۰]. بقره: ۲۳۸.
- [۱۱]. معارج: ۳۴.
- [۱۲]. در روایت است که: «فَأَوَّلُ الْوَقْتِ رِضْوَانُ اللَّهِ وَ أَوْسَطُهُ عَفْوُ اللَّهِ وَ آخِرُهُ غُفْرَانُ اللَّهِ؛ نماز اول وقت خشنودی خدا را به دنبال دارد؛ در وسط وقت عفو و در آخر وقت غفران». محدث نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۳، ص ۱۰۱.
- [۱۳]. ر.ک: طبرسی، تفسیر مجمع‌البیان، ج ۲، ص ۱۲۶؛ آیت‌الله مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۴۷؛ محسن قرائتی، تفسیر نور، ج ۱، ص ۴۷۵.
- [۱۴]. مؤمنون: ۱.

امیدوارم خداوند تبارک و تعالی در مقدرات شب‌های قدر، نماز ما را نماز تراز اول قرار دهد؛ به فضل و کرم و منّش.





افوفا؛ درنگی بر مسائل تعلیم و تربیت
OfoghHa.ir سامانه پیامکی: ۳۰۰۴۸۵۹۵۹

اثنیه‌ها، ساعت ۱۹

بازپخش دوشنبه‌ها، ساعت ۱۲



از شبکه قرآن و معارف سیما/ برنامه یاد خدا

